

به نام خدا

نقش فرهنگ مدرسه در توسعه هویت اجتماعی دانش آموزان

مؤلفان :

یونس ایوبی

محمد اکبر حسین بر

عبدالجلیل حسینی

غلام نبی آزادی

منصور بلوچ

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : ایوبی ، یونس ، ۱۳۷۲
عنوان و نام پدیدآورندگان : نقش فرهنگ مدرسه در توسعه هویت اجتماعی دانش آموزان/ مولفان: یونس ایوبی ، محمد اکبر حسین بر ، عبدالجلیل حسینی ، غلام نبی آزادی ، منصور بلوچ
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۱۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۵۳۷-۶
شناسه افزوده: حسین بر ، محمد اکبر ، ۱۳۵۹
شناسه افزوده: حسینی ، عبدالجلیل ، ۱۳۵۷
شناسه افزوده: نبی آزادی ، غلام ، ۱۳۵۶
شناسه افزوده: بلوچ ، منصور ، ۱۳۶۲
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : نقش فرهنگ مدرسه - توسعه هویت اجتماعی - دانش آموزان
رده بندی کنگره : ۹۸۳ TP
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : نقش فرهنگ مدرسه در توسعه هویت اجتماعی دانش آموزان

مولفان : یونس ایوبی - محمد اکبر حسین بر
عبدالجلیل حسینی - غلام نبی آزادی - منصور بلوچ
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴

چاپ : زیر جلد

قیمت : ۱۴۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۵۳۷-۶

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه	۵
فصل اول: مبانی نظری فرهنگ مدرسه و هویت اجتماعی	۹
تعریف و مؤلفه‌های فرهنگ مدرسه	۱۴
مفهوم هویت اجتماعی و ابعاد شکل‌گیری آن در دوران مدرسه	۱۶
پیوند میان فرهنگ سازمانی مدرسه و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان	۱۹
نظریه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در تبیین هویت اجتماعی	۲۲
نقش معلمان و مدیران در شکل‌دهی فرهنگ مدرسه	۲۶
شاخص‌های سنجش فرهنگ مدرسه در پژوهش‌های آموزشی	۲۸
فصل دوم: ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگ مدرسه مؤثر بر هویت اجتماعی	۳۳
ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در فضای مدرسه	۳۶
الگوهای ارتباطی بین معلم، دانش‌آموز و مدیر	۳۸
نقش مشارکت و همکاری در ایجاد هویت جمعی	۴۱
نظام پاداش و تنبیه و تأثیر آن بر هویت اجتماعی	۴۲
زبان، نمادها و آیین‌های مدرسه به‌عنوان بستر فرهنگی	۴۵
عدالت، احترام و اعتماد در روابط مدرسه‌ای	۴۸
فصل سوم: فرایندهای تربیتی و آموزشی در پرورش هویت اجتماعی	۵۱
برنامه درسی پنهان و تأثیر آن بر هویت اجتماعی دانش‌آموز	۵۵
فعالیت‌های گروهی و فوق‌برنامه در توسعه مهارت‌های اجتماعی	۵۷
نقش معلم به‌عنوان الگوی اجتماعی و فرهنگی	۶۰
شیوه‌های تدریس مبتنی بر همدلی و گفت‌وگو	۶۲
نقش مدرسه در تقویت تعلق اجتماعی و حس مسئولیت‌پذیری	۶۴

تعامل خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت اجتماعی	۶۶
فصل چهارم: چالش‌ها و موانع فرهنگی در مسیر شکل‌گیری هویت اجتماعی	۶۹
تعارض ارزش‌های مدرسه و جامعه در ذهن دانش‌آموز	۷۱
تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی بر فرهنگ مدرسه	۷۲
ضعف انسجام فرهنگی در مدارس چندفرهنگی	۷۴
بحران الگوها و نقش‌های اجتماعی در مدارس	۷۵
فشارهای تحصیلی و کاهش فرصت‌های اجتماعی‌سازی	۷۷
سیاست‌ها و ساختارهای آموزشی ناکارآمد در تقویت هویت اجتماعی	۷۸
فصل پنجم: راهکارها و الگوهای بهبود فرهنگ مدرسه برای توسعه هویت اجتماعی ۸۱	
طراحی مدارس یادگیرنده با محوریت ارزش‌های جمعی	۸۶
تقویت رهبری فرهنگی مدیران آموزشی	۸۹
توسعه برنامه‌های مشارکتی و گفت‌وگومحور در مدرسه	۹۰
آموزش سواد فرهنگی و اجتماعی به معلمان و دانش‌آموزان	۹۲
بازنگری در محتوای درسی بر اساس نیازهای فرهنگی جامعه	۹۶
ارائه مدل بومی برای ترویج فرهنگ مدرسه مؤثر بر هویت اجتماعی	۹۸
نتیجه‌گیری	۱۰۲
منابع	۱۰۷

مقدمه

فرهنگ مدرسه یکی از بنیادی‌ترین عوامل شکل‌دهنده به تجربه زیسته دانش‌آموزان و مسیر رشد اجتماعی آنان به شمار می‌رود. مدرسه نه تنها مکانی برای انتقال دانش و مهارت‌های آموزشی است، بلکه فضایی برای درونی‌سازی ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و باورهای اجتماعی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر شکل‌گیری هویت اجتماعی کودکان و نوجوانان تأثیر می‌گذارد. هویت اجتماعی دانش‌آموز در جریان تعاملات روزمره با معلمان، همسالان، مدیران و حتی ساختارهای نانوشته مدرسه شکل می‌گیرد. این هویت درواقع نوعی ادراک از «من اجتماعی» است که دانش‌آموز از خود در ارتباط با دیگران و در بستر فرهنگی و ارزشی مدرسه می‌سازد. مدرسه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، بازتابی از ساختار فرهنگی جامعه است و در عین حال، نقشی فعال در بازتولید و تحول آن ایفا می‌کند. فرهنگ مدرسه، نظامی از معانی، ارزش‌ها، رفتارها و مناسبات است که به شکل پنهان و آشکار، رفتارها و نگرش‌های اعضای آن را هدایت می‌کند. در بطن هر مدرسه مجموعه‌ای از باورهای مشترک، نمادها و آیین‌های روزمره وجود دارد که به تعاملات انسانی معنا می‌بخشد و محیط یادگیری را از سطح انتقال صرف اطلاعات فراتر می‌برد. وقتی دانش‌آموز وارد فضای مدرسه می‌شود، ناخودآگاه در معرض شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی قرار می‌گیرد که هویت فردی و جمعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طریق حضور در کلاس درس، شرکت در فعالیت‌های گروهی، پذیرش قواعد مدرسه، احترام به معلمان، مشارکت در مراسم‌ها و درگیری در فرآیندهای تصمیم‌گیری، دانش‌آموز به‌تدریج می‌آموزد که چگونه عضوی از جامعه باشد، چگونه تعامل کند و چگونه مسئولیت بپذیرد. به همین دلیل، می‌توان گفت فرهنگ مدرسه بستری است که در آن ارزش‌های اجتماعی در رفتارهای روزمره تمرین می‌شوند و درونی‌سازی می‌یابند.

فرآیند شکل‌گیری هویت اجتماعی امری تدریجی و پویا است و تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل محیطی و تربیتی قرار دارد. در این میان، مدرسه نقشی متمایز دارد، زیرا برخلاف خانواده که بستر اولیه شکل‌گیری ارزش‌ها را فراهم می‌کند، مدرسه فضایی رسمی و آگاهانه برای بازسازی و گسترش هویت اجتماعی فراهم می‌سازد. این نهاد با ساختار سازمانی خاص خود، قوانین و آیین‌نامه‌ها، روابط سلسله‌مراتبی و شیوه‌های ارزشیابی، به دانش‌آموزان می‌آموزد

که عضویت در یک جامعه، مستلزم رعایت نظم، احترام به حقوق دیگران و پذیرش مسئولیت‌های جمعی است. بنابراین، فرهنگ مدرسه نه تنها بازتاب ارزش‌های جامعه است، بلکه ابزار نیرومندی برای انتقال و نهادینه‌سازی این ارزش‌ها به نسل آینده محسوب می‌شود.

مطالعه فرهنگ مدرسه در پیوند با هویت اجتماعی، ما را به سوی درک عمیق‌تری از نقش نظام آموزشی در فرآیند جامعه‌پذیری سوق می‌دهد. در این میان، عواملی چون سبک رهبری مدیر، نگرش معلمان، میزان مشارکت دانش‌آموزان، جو عاطفی مدرسه، و نوع تعاملات رسمی و غیررسمی، هر یک سهمی اساسی در شکل‌دهی به تجربه فرهنگی دانش‌آموزان دارند. برای مثال، مدرسه‌ای که در آن گفت‌وگو، احترام متقابل و فرصت برای ابراز نظر آزادانه تشویق می‌شود، به احتمال زیاد دانش‌آموزانی با هویت اجتماعی قوی‌تر، حس تعلق جمعی بالاتر و نگرش مثبت‌تری نسبت به جامعه پرورش می‌دهد. در مقابل، مدارس اقتدارگرا و خشک که بر انضباط صرف تأکید دارند، ممکن است زمینه را برای انزوا، اضطراب اجتماعی و هویت‌گریزی در دانش‌آموزان فراهم کنند.

فرهنگ مدرسه را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از باورهای مشترک درباره «چگونگی زندگی در کنار دیگران» تعریف کرد. این باورها از طریق زبان، آیین‌ها، مناسبات و نظام ارزش‌ها منتقل می‌شوند. آنچه در مدارس از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد، تنها دانش علمی نیست، بلکه نگرش نسبت به جامعه، عدالت، مسئولیت‌پذیری، همدلی و مشارکت است. این عناصر در کنار یکدیگر، بنیان هویت اجتماعی را می‌سازند. هویتی که در مدرسه شکل می‌گیرد، به تدریج به سایر عرصه‌های زندگی اجتماعی دانش‌آموز تعمیم می‌یابد و بر نحوه تعامل او در خانواده، محیط کار و جامعه تأثیرگذار می‌شود. از این‌رو، فهم و تقویت فرهنگ مدرسه نه فقط مسئله‌ای تربیتی، بلکه ضرورتی اجتماعی و اخلاقی است.

در جامعه معاصر که ارزش‌ها و هنجارها به سرعت در حال تغییرند، نقش مدرسه در تثبیت و بازسازی هویت اجتماعی بیش از پیش اهمیت یافته است. در دنیایی که رسانه‌ها و فضای مجازی تأثیری فراگیر بر ذهن و رفتار نوجوانان دارند، مدرسه باید به‌عنوان محیطی امن، معنادار و جهت‌بخش عمل کند. اگر مدرسه نتواند به پرسش‌های هویتی نوجوانان پاسخ دهد و احساس تعلق آنان را تقویت کند، آنان منابع دیگری برای تعریف خویشتن اجتماعی خود خواهند یافت که لزوماً با ارزش‌های فرهنگی جامعه سازگار نیستند. این واقعیت، ضرورت بازاندیشی در ماهیت و کارکرد فرهنگ مدرسه را دوچندان می‌کند.

هویت اجتماعی، حاصل ادراک فرد از عضویت در گروه‌های اجتماعی و ارزشی است که برای او معنا دارند. این هویت از طریق فرآیندهای مقایسه، همانندسازی و درونی‌سازی شکل می‌گیرد. مدرسه با فراهم آوردن فرصت‌های تعامل اجتماعی، نقش فعالی در هر سه مرحله دارد. در این محیط، دانش‌آموز با گروه همسالان مقایسه می‌کند، با معلمان و بزرگسالان همانندسازی می‌کند و در نهایت ارزش‌های مدرسه را درونی می‌سازد. هر قدر این ارزش‌ها روشن‌تر، عادلانه‌تر و مبتنی بر احترام متقابل باشند، احتمال درونی شدن آن‌ها و پایداری هویت اجتماعی سالم افزایش می‌یابد.

فرهنگ مدرسه، پدیده‌ای ایستا نیست؛ بلکه مجموعه‌ای پویا و تحول‌پذیر است که از تعامل میان سیاست‌های آموزشی، ویژگی‌های فردی اعضا و شرایط اجتماعی جامعه تأثیر می‌پذیرد. در بسیاری از نظام‌های آموزشی پیشرفته، تقویت فرهنگ مدرسه به‌عنوان ابزاری برای پرورش شهروندان مسئول، خلاق و مشارکت‌جو در نظر گرفته می‌شود. مدارس موفق آن‌هایی هستند که میان نظم و آزادی، انضباط و خلاقیت، فردیت و جمع‌گرایی توازن برقرار کرده‌اند. در چنین مدرسی، معلمان به‌جای انتقال صرف دانش، مربیانی فرهنگی‌اند که از طریق رفتار و گفتار خود ارزش‌های اجتماعی را تجسم می‌بخشند.

در کشورهایی که برنامه‌ریزی آموزشی مبتنی بر توسعه انسانی است، توجه به فرهنگ مدرسه در سیاست‌گذاری‌های تربیتی جایگاه ویژه‌ای دارد. چرا که فرهنگ مدرسه نه‌تنها بر موفقیت تحصیلی، بلکه بر احساس کفایت اجتماعی، عزت‌نفس، مسئولیت‌پذیری و انگیزش درونی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. این فرهنگ می‌تواند به‌عنوان نیرویی نامرئی، رفتارها را جهت دهد و فضایی فراهم آورد که در آن، یادگیری نه از روی اجبار، بلکه از روی تعلق و معنا شکل گیرد.

یکی از چالش‌های جدی نظام‌های آموزشی در دوران معاصر، فاصله میان اهداف رسمی آموزش با تجربه زیسته دانش‌آموزان است. هنگامی که ارزش‌های تبلیغ‌شده در برنامه‌های درسی با رفتار واقعی معلمان یا ساختار فرهنگی مدرسه در تضاد باشند، دانش‌آموز دچار سردرگمی هویتی می‌شود. این ناهماهنگی میان گفتار و کردار، پیامدهایی عمیق بر اعتماد، انگیزه و

هویت اجتماعی او برجای می‌گذارد. از این رو، ایجاد هم‌سویی میان اهداف تربیتی، فرهنگ نهادی و رفتار روزمره اعضای مدرسه امری حیاتی است.

فرهنگ مدرسه مطلوب، فرهنگی است که بر پایه احترام، عدالت، اعتماد و همکاری شکل گرفته باشد. چنین فرهنگی در روابط روزمره تبلور می‌یابد؛ در نوع برخورد معلم با دانش‌آموز، در چگونگی حل تعارض‌ها، در نحوه تصمیم‌گیری جمعی، و در فضایی که برای رشد اخلاقی و فکری فراهم می‌شود. در این بستر، دانش‌آموز نه تنها دانش می‌آموزد، بلکه خود را به عنوان عضوی از جامعه‌ای بزرگ‌تر تجربه می‌کند. او می‌فهمد که رفتار فردی‌اش پیامد جمعی دارد و هویت او در پیوند با دیگران معنا می‌یابد.

برای دستیابی به چنین فرهنگی، نیاز به بازنگری در رویکردهای مدیریتی، تربیتی و آموزشی مدارس وجود دارد. مدیران باید به جای تمرکز بر کنترل، به پرورش روحیه مشارکت و مسئولیت جمعی بپردازند. معلمان باید نقش الگوهای فرهنگی را بپذیرند و با رفتارهای خود، ارزش‌های انسانی را در عمل نشان دهند. خانواده‌ها نیز باید در تعامل سازنده با مدرسه، پیوند میان ارزش‌های خانه و مدرسه را تقویت کنند. این هم‌افزایی میان سه نهاد خانواده، مدرسه و جامعه، می‌تواند به شکل‌گیری نسلی منسجم و دارای هویت اجتماعی پایدار منجر شود.

مطالعه و تقویت فرهنگ مدرسه از منظر توسعه هویت اجتماعی، به معنای سرمایه‌گذاری بر آینده جامعه است. زیرا مدرسه‌ای که بتواند محیطی اخلاقی، عاطفی و فرهنگی غنی بسازد، زمینه را برای رشد شهروندانی فراهم می‌کند که احساس تعلق، مسئولیت و تعهد اجتماعی دارند. این افراد نه تنها در مسیر موفقیت فردی گام برمی‌دارند، بلکه در ساختن جامعه‌ای انسانی‌تر و همدل‌تر مشارکت می‌کنند. بدین سان، فرهنگ مدرسه صرفاً بخشی از نظام آموزشی نیست، بلکه زیربنای شکل‌گیری فرهنگ عمومی جامعه است.

فصل اول

مبانی نظری فرهنگ مدرسه و هویت اجتماعی

فرهنگ مدرسه مفهومی بنیادین در حوزه جامعه‌شناسی آموزش و روان‌شناسی تربیتی است که از آن به‌عنوان روح حاکم بر زندگی مدرسه یاد می‌شود. این فرهنگ دربرگیرنده مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، رفتارها، نمادها و مناسبات اجتماعی است که در تعامل روزمره میان اعضای مدرسه جریان دارد و به‌گونه‌ای نانوشته، الگوی کنش و واکنش آنان را تعیین می‌کند. از دیدگاه نظری، فرهنگ مدرسه شکل خاصی از فرهنگ سازمانی است که در آن نهاد آموزش به‌عنوان یک سیستم اجتماعی عمل می‌کند و معلمان، دانش‌آموزان و مدیران هر یک حامل و بازتولیدکننده بخشی از آن هستند. این فرهنگ نه تنها محصول ساختار رسمی مدرسه بلکه حاصل روابط غیررسمی، تجربه‌های مشترک و باورهای ضمنی است که در طول زمان شکل گرفته‌اند.

از منظر جامعه‌شناسی، فرهنگ مدرسه را می‌توان بخشی از نظام فرهنگی کلان جامعه دانست که در سطح خرد بازتاب می‌یابد. دورکیم بر این باور بود که آموزش باید جامعه را در فرد بازآفرینی کند و ارزش‌های جمعی را در ذهن نسل جدید درونی سازد. بر همین اساس، مدرسه به‌مثابه نهادی فرهنگی، مأموریت دارد ارزش‌های اجتماعی را از طریق فرایند جامعه‌پذیری منتقل کند. از نگاه پارسونز، نظام آموزشی کارکردی اساسی در ایجاد انسجام اجتماعی دارد و فرهنگ مدرسه نقش میانجی میان خانواده و جامعه را ایفا می‌کند. در واقع، مدرسه به دانش‌آموز می‌آموزد که چگونه از دنیای شخصی خانواده به جهان عمومی جامعه گذر کند.

از سوی دیگر، نظریه‌پردازان انتقادی چون بوردیو و پاسرون معتقدند فرهنگ مدرسه نه تنها بازتاب ارزش‌های جامعه بلکه ابزار بازتولید نابرابری‌های اجتماعی است. آنان بر مفهوم سرمایه

فرهنگی تأکید می‌کنند و بر این باورند که مدارس از طریق زبان، آداب، و معیارهای پنهان خود، فرهنگ طبقه مسلط را بازتولید می‌کنند. بر این مبنا، فرهنگ مدرسه به‌صورت ناخودآگاه، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری گروه‌های غالب را مشروعیت می‌بخشد و دانش‌آموزان را در جهت پذیرش آن هدایت می‌کند. با این حال، در نظریات معاصر، نگاه یک‌سویه به فرهنگ مدرسه تعدیل شده و پژوهشگران بر پویایی آن تأکید دارند. آنان معتقدند فرهنگ مدرسه می‌تواند هم عامل بازتولید و هم بستری برای تغییر و تحول اجتماعی باشد، بسته به اینکه چگونه هدایت و بازسازی شود.

در تبیین فرهنگ مدرسه از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی نیز نظریه یادگیری اجتماعی بندورا اهمیت ویژه‌ای دارد. او تأکید می‌کند که افراد رفتارها و نگرش‌های اجتماعی را از طریق مشاهده و الگوبرداری از دیگران می‌آموزند. در محیط مدرسه، این فرایند در سطحی گسترده رخ می‌دهد. معلمان به‌عنوان الگوهای رفتاری، ارزش‌ها و نگرش‌های خود را از طریق گفتار و عمل منتقل می‌کنند. دانش‌آموزان نیز در تعامل با یکدیگر، الگوهای اجتماعی را بازتولید می‌کنند و در نتیجه، شبکه‌ای از یادگیری اجتماعی شکل می‌گیرد که بنیان هویت اجتماعی آنان را می‌سازد. فتح‌اللهی، ک. (۱۳۹۹).

هویت اجتماعی، به‌عنوان مفهومی چندبعدی، حاصل ادراک فرد از عضویت در گروه‌های اجتماعی و احساسی است که از آن عضویت ناشی می‌شود. طبق نظریه تاجفل و ترنر، افراد از طریق فرایند مقایسه اجتماعی و تمایز مثبت گروه خود نسبت به دیگران، هویت اجتماعی خویش را تثبیت می‌کنند. در مدرسه، گروه‌های همسالان، کلاس‌ها، انجمن‌ها و حتی هویت مدرسه‌ای به‌عنوان یک کل، نقش گروه مرجع را ایفا می‌کنند. دانش‌آموز از طریق تعلق به این گروه‌ها، احساس معنا و ارزشمندی می‌کند و خود را بخشی از یک کل بزرگ‌تر می‌بیند. بنابراین، هویت اجتماعی در مدرسه نه‌تنها در اثر آموزش رسمی بلکه از طریق تجربه زیسته و روابط میان‌فردی شکل می‌گیرد.

از منظر نظریه نظام‌های باز، مدرسه نهادی است که با محیط پیرامون خود تعامل پویا دارد. فرهنگ مدرسه تحت تأثیر عوامل بیرونی مانند ارزش‌های جامعه، سیاست‌های آموزشی، باورهای مذهبی و اقتصادی و نیز عوامل درونی مانند رهبری، روابط انسانی و ساختار قدرت

شکل می‌گیرد. این تعامل دوسویه سبب می‌شود که فرهنگ مدرسه در هر جامعه بازتابی از ویژگی‌های فرهنگی کلان آن جامعه باشد. در عین حال، مدارس می‌توانند در تغییر فرهنگ عمومی نیز نقش مؤثری ایفا کنند، به شرط آن‌که درون خود بستر گفت‌وگو، احترام و مشارکت را نهادینه سازند.

یکی از عناصر کلیدی در فهم فرهنگ مدرسه، مفهوم «برنامه درسی پنهان» است. برنامه درسی پنهان به مجموعه ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری اشاره دارد که خارج از چارچوب رسمی آموزش، از طریق تجربه‌های روزمره در مدرسه منتقل می‌شود. دانش‌آموزان از طریق مشاهده رفتار معلمان، نحوه برخورد با مقررات، روابط قدرت و عدالت در تصمیم‌گیری، درس‌هایی می‌آموزند که گاه تأثیری عمیق‌تر از محتوای رسمی درسی دارد. برنامه درسی پنهان می‌تواند ابزار قدرتمندی برای تقویت هویت اجتماعی و اخلاقی باشد یا بالعکس، منبعی برای شکل‌گیری بی‌اعتمادی، تبعیض و انزواست. صدیقی، م. (۱۳۹۶).

در فرهنگ مدرسه سالم، ارزش‌هایی چون اعتماد، عدالت، احترام، همدلی و مشارکت در تعاملات روزمره تبلور می‌یابد. این ارزش‌ها از طریق رفتار مدیر و معلمان و از راه سیاست‌ها و تصمیم‌های آموزشی به دانش‌آموزان منتقل می‌شود. وقتی مدرسه به‌جای رقابت صرف، بر همکاری و حمایت تأکید می‌کند، حس تعلق اجتماعی در میان دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. در چنین فضایی، یادگیری نه تنها به انتقال دانش، بلکه به تجربه زندگی اجتماعی تبدیل می‌شود.

از دیدگاه انسان‌گرایانه، فرهنگ مدرسه باید نیازهای اساسی فرد برای تعلق، احترام و خودشکوفایی را برآورده سازد. مازلو و راجرز معتقدند که رشد سالم هویت تنها در محیطی ممکن است که پذیرش، آزادی بیان و فرصت برای رشد فراهم باشد. در مدرسه‌ای که ارزش‌ها به‌صورت دستوری تحمیل می‌شوند، هویت اجتماعی به شکل سطحی و شکننده شکل می‌گیرد، در حالی که در مدرسه‌ای که دانش‌آموز احساس می‌کند صدایش شنیده می‌شود، هویت اجتماعی عمیق‌تر و پایدارتر رشد می‌کند.

بر مبنای نظریه کنش ارتباطی هابرماس، فضای گفت‌وگومحور در مدرسه زمینه‌ساز شکل‌گیری عقلانیت ارتباطی و در نتیجه، هویت اجتماعی مبتنی بر تفاهم است. وقتی روابط مدرسه بر گفت‌وگو و درک متقابل استوار باشد، دانش‌آموزان می‌آموزند که هویت اجتماعی خود را نه در تقابل با دیگران بلکه در ارتباط با آنان تعریف کنند. چنین هویتی، پایه‌ای برای جامعه‌ای دموکراتیک و همدل فراهم می‌سازد. فرهنگ مدرسه همچنین بستری برای انتقال نمادها و آیین‌هاست. آیین‌های مدرسه مانند مراسم صبحگاه، جشن‌ها، مسابقات و فعالیت‌های گروهی، معنایی فراتر از ظاهر خود دارند. این آیین‌ها با ایجاد حس وحدت و تعلق، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا خود را جزئی از کل بدانند. نمادهایی چون پرچم، سرود، شعار و رنگ مدرسه، نقش مهمی در تقویت هویت جمعی ایفا می‌کنند و احساس «ما بودن» را در سطح روانی و اجتماعی تقویت می‌نمایند.

در بسیاری از مطالعات تجربی، رابطه مثبت میان فرهنگ مدرسه مثبت و رشد هویت اجتماعی گزارش شده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دانش‌آموزانی که در مدارس دارای جو حمایتی، روابط مثبت معلم-دانش‌آموز و فرصت‌های مشارکت تحصیل می‌کنند، از احساس تعلق بیشتر، عزت‌نفس بالاتر و رفتارهای اجتماعی مطلوب‌تری برخوردارند. در مقابل، جوهای سرد و انضباط‌محور باعث بیگانگی، پرخاشگری و انزوای اجتماعی می‌شوند. از این‌رو، مدیریت فرهنگی مدرسه یکی از مؤلفه‌های کلیدی در سیاست‌گذاری آموزشی محسوب می‌شود.

در نظریه یادگیری اجتماعی، مفهوم «همدلی و مدل‌سازی مثبت» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. معلمانی که با رفتار خود عدالت، احترام و مسئولیت‌پذیری را نشان می‌دهند، به‌طور ضمنی به دانش‌آموزان می‌آموزند که چگونه در جامعه عمل کنند. هویت اجتماعی دانش‌آموزان نه در نتیجه نصیحت و آموزش مستقیم، بلکه از طریق تجربه زیسته و تعامل روزمره با چنین الگوهایی ساخته می‌شود. احمدی، م. (۱۳۹۸).

از سوی دیگر، باید توجه داشت که فرهنگ مدرسه واحدی جهانی و ثابت نیست. هر جامعه، منطقه یا حتی مدرسه، فرهنگی منحصر به فرد دارد که از ترکیب عوامل تاریخی، دینی، اقتصادی و سیاسی پدید آمده است. در مدارس جوامع چندفرهنگی، این امر چالش‌برانگیزتر می‌شود، زیرا دانش‌آموزان با پیش‌زمینه‌های فرهنگی متفاوت وارد مدرسه می‌شوند. اگر مدرسه

نتواند بستری برای گفت‌وگوی فرهنگی و احترام به تفاوت‌ها فراهم آورد، هویت اجتماعی شکننده و قطبی شکل می‌گیرد. برعکس، مدرسه‌ای که تنوع را به رسمیت بشناسد و از آن برای غنای فرهنگی خود استفاده کند، می‌تواند به پرورش شهروندانی چندبعدی و سازگار با دنیای متنوع امروز کمک کند. در تحلیل فلسفی فرهنگ مدرسه، می‌توان از دیدگاه دیویی بهره گرفت. او بر این باور بود که آموزش باید به‌عنوان تجربه‌ای اجتماعی و پیوسته درک شود، نه فرایندی مکانیکی برای انتقال دانش. در این نگاه، مدرسه نمونه کوچکی از جامعه است و یادگیری واقعی زمانی رخ می‌دهد که فرد در فعالیت‌های اجتماعی معنادار مشارکت کند. از این منظر، هویت اجتماعی در دل تجربه‌های جمعی رشد می‌کند و فرهنگ مدرسه نقش زیربنایی در کیفیت این تجربه‌ها دارد.

هویت اجتماعی سالم زمانی شکل می‌گیرد که فرد احساس کند در محیط پیرامونش ارزشمند است و نقشی دارد. در مدرسه، این احساس از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، احترام به دیدگاه‌ها و فرصت‌های برابر تقویت می‌شود. اگر دانش‌آموز احساس کند نظرش بی‌اهمیت است یا منزلت اجتماعی او نادیده گرفته می‌شود، تمایل به کناره‌گیری و بی‌اعتمادی افزایش می‌یابد. از این رو، مشارکت دموکراتیک یکی از ارکان فرهنگ مدرسه‌ای است که بر رشد هویت اجتماعی تأکید دارد.

نقش مدیر مدرسه در هدایت فرهنگ نهادی بسیار تعیین‌کننده است. سبک رهبری مدیر می‌تواند به‌طور مستقیم بر جو فرهنگی تأثیر بگذارد. مدیرانی که از سبک مشارکتی و حمایتی استفاده می‌کنند، زمینه را برای روابط گرم و صمیمی میان اعضا فراهم می‌سازند. چنین فضایی باعث می‌شود که ارزش‌های اجتماعی مانند اعتماد، همکاری و همدلی در رفتارها نهادینه شود. در مقابل، سبک‌های اقتدارگرایانه و دستوری معمولاً فرهنگ مدرسه را به سمت انفعال و ترس سوق می‌دهند.

پیوند میان فرهنگ مدرسه و هویت اجتماعی دانش‌آموزان را باید در چارچوبی کل‌نگر تحلیل کرد. این پیوند حاصل تعامل میان ساختارهای آموزشی، روابط انسانی، ارزش‌های نهادی و

تجربه‌های روزمره است. اگر فرهنگ مدرسه بتواند میان ابعاد شناختی، عاطفی و اجتماعی یادگیری تعادل برقرار کند، هویت اجتماعی متعادلی در دانش‌آموزان شکل خواهد گرفت. چنین هویتی به جای انفعال، مبتنی بر مسئولیت‌پذیری، احترام متقابل و مشارکت فعال است. بنابراین، فهم مبانی نظری فرهنگ مدرسه و هویت اجتماعی به معنای درک رابطه میان آموزش، ارزش‌ها و جامعه است. مدرسه نه فقط نهاد آموزش، بلکه آزمایشگاهی برای زیستن اجتماعی است. آنچه در درون دیوارهای مدرسه رخ می‌دهد، بازتابی از جامعه فردا است. اگر فرهنگ مدرسه بر پایه اعتماد، عدالت و احترام بنا شود، جامعه آینده نیز بر همین ارزش‌ها استوار خواهد بود. و اگر بی‌تفاوتی، تبعیض یا خشونت بر روابط مدرسه سایه افکند، این الگوها در مقیاس وسیع‌تر اجتماعی بازتولید می‌شوند. در نتیجه، پژوهش درباره فرهنگ مدرسه، در واقع پژوهش درباره آینده جامعه است.

تعریف و مؤلفه‌های فرهنگ مدرسه

فرهنگ مدرسه به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، رفتارها و روابطی اطلاق می‌شود که در بستر تعاملات میان اعضای مدرسه شکل می‌گیرد و جهت‌گیری کلی فعالیت‌های آموزشی، تربیتی و اجتماعی آن را تعیین می‌کند. این فرهنگ نه تنها در برنامه‌های رسمی و قوانین آشکار مدرسه تجلی می‌یابد، بلکه در رفتارهای روزمره، شیوه ارتباط معلمان با دانش‌آموزان، نحوه تصمیم‌گیری‌ها، زبان مشترک، آیین‌ها، جشن‌ها و حتی فضای فیزیکی محیط آموزشی نمود پیدا می‌کند. فرهنگ مدرسه همان روح حاکم بر فضای آموزشی است که بر نگرش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای اعضای آن تأثیرگذار است و هویت جمعی و اجتماعی دانش‌آموزان را شکل می‌دهد. هنگامی که یک دانش‌آموز وارد مدرسه می‌شود، به تدریج با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و الگوهای رفتاری روبه‌رو می‌شود که نشان می‌دهد چه چیزهایی در آن محیط مورد تأیید یا رد قرار می‌گیرد. از طریق همین مواجهه‌های روزمره است که کودک می‌آموزد چگونه فکر کند، چگونه ارتباط برقرار کند و چگونه خود را در نسبت با دیگران تعریف کند.

فرهنگ مدرسه معمولاً از چند مؤلفه اساسی تشکیل می‌شود. نخستین مؤلفه، ارزش‌های مشترک است؛ ارزش‌هایی که همه اعضای مدرسه، از مدیر و معلم گرفته تا دانش‌آموز و خانواده، به آن‌ها باور دارند و در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای خود به آن‌ها رجوع می‌کنند. ارزش‌هایی مانند احترام متقابل، صداقت، مسئولیت‌پذیری، عدالت و مشارکت، بنیان اصلی فرهنگ مثبت مدرسه را می‌سازند. مؤلفه دوم، هنجارها و قواعد رفتاری است که به صورت رسمی یا غیررسمی رفتار مطلوب را در محیط مدرسه تعیین می‌کند. این هنجارها ممکن است شامل نحوه گفت‌وگو، نظم در کلاس، شیوه پوشش یا نحوه تعامل با دیگران باشد و رعایت آن‌ها موجب احساس امنیت و تعلق در میان دانش‌آموزان می‌شود.

مؤلفه سوم، الگوهای رهبری و مدیریت مدرسه است. نوع نگرش مدیر به تصمیم‌گیری، تعامل با معلمان و نحوه توزیع قدرت و اختیار در مدرسه نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فرهنگ مدرسه دارد. مدیری که سبک رهبری مشارکتی و الهام‌بخش دارد، فرهنگی مبتنی بر اعتماد، یادگیری و همدلی ایجاد می‌کند، در حالی که مدیریت اقتدارگرایانه اغلب فرهنگی مبتنی بر ترس، رقابت ناسالم و انفعال به وجود می‌آورد. مؤلفه چهارم، روابط میان فردی است. کیفیت روابط میان معلمان و دانش‌آموزان، میان خود معلمان، و میان مدرسه و خانواده‌ها، بازتاب مستقیم فرهنگ حاکم بر مدرسه است. روابط مثبت و سازنده موجب افزایش سرمایه اجتماعی، همدلی و روحیه جمعی می‌شود. مؤلفه پنجم، نمادها و آیین‌ها است. شعارها، جشن‌ها، مراسم آغاز سال تحصیلی، لباس فرم، شعارهای دیواری، یا حتی نحوه چیدمان کلاس‌ها همه حامل پیام‌هایی درباره ارزش‌های اصلی مدرسه‌اند. این نمادها و آیین‌ها به نوعی هویت جمعی مدرسه را شکل می‌دهند و حس تعلق را تقویت می‌کنند. مؤلفه ششم، انتظارات و نگرش‌های معلمان نسبت به دانش‌آموزان است. اگر معلمان باور داشته باشند که همه دانش‌آموزان توانایی رشد و موفقیت دارند، این نگرش در رفتار و گفتار آنان منعکس می‌شود و به تدریج فضای فرهنگی امیدبخش و انگیزشی در مدرسه شکل می‌گیرد. اما اگر انتظارات پایین یا تبعیض‌آمیز وجود داشته باشد، فرهنگ مدرسه به سمت انفعال و سرخوردگی پیش خواهد رفت.